

عنوان مقاله:

مرگ شخصیت در رمان نو شازده احتجاب گلشیری

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های دستوری و بلاغی، دوره 9، شماره 15 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 32

نویسندگان:

مریم افرافر - دانشگاه بیرجند

ابراهیم محمدی - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند

خلاصه مقاله:

رمان نو که در فرانسه با آثاری از ساروت و رب گریه آغاز شده بود، چند دهه بعد توانست با رمان شازده احتجاب گلشیری به عنوان گونه ای از رمان وارد ایران شود. گلشیری توانست با به کارگیری خلاقانه عناصر رمان نو به خوبی از عهده این نوع برآید؛ به گونه ای که هم اثرش تقلید صرف نیست و هم از ویژگی های رمان نو خارج نشده است. گرچه امروزه رمان نو حضور چشمگیری ندارد اما عناصر باقی مانده از آن در رمان ها مشهود است؛ لذا پرداختن به این نوع و عناصر آن ضروری به نظر می رسد. با توجه به اهمیت رمان شازده احتجاب به عنوان آغاز رمان نو فارسی و تاثیراتی که در تحول رمان نویسی ایران داشته است، در این مقاله به بررسی یکی از عناصر رمان نو یعنی مرگ شخصیت یا رد شخصیت که در شازده احتجاب نمود برجسته تری دارد پرداخته ایم. از این رو در این پژوهش ابتدا ویژگی های رمان نو را گفته ایم و خلاصه ای از شازده احتجاب آورده و سپس به بررسی مرگ شخصیت های این رمان پرداخته و نشان داده ایم که مراد از مرگ شخصیت، خالی بودن آن از افراد انسانی نیست، بلکه حضوری آمیخته با خاطره، تلفیقی و سایه وار است که خواننده با تخیل و ذوق ادبی خود در ساخت آن مشارکت می کند. گلشیری بدون دور شدن از هویت ایرانی، عناصر رمان نو و رد شخصیت را به بهترین شکل به کار گرفته و در این باره از رمان های نو غربی کم ندارد.

کلمات کلیدی:

مرگ شخصیت، رمان نو، شازده احتجاب، هوشنگ گلشیری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1033757>

